

## درس اول :

انسان همیشه مقصود خود را به صورت جمله بیان می کند

جمله به کلمه یا مجموعه ای از کلمه ها گفته می شود که بر روی هم پیام کاملی را از گوینده به شنونده و یا از نویسنده به خواننده می رساند . ما مقصود خود را به صورت جمله بیان می کنیم

مثال : مریم از مدرسه برگشت

**نکته :** گاهی یک کلمه به تنهایی یک جمله به حساب می آید . خندیدم

**نکته :** مهم قسمت جمله فعل است

دانش آموزان از جای خود بلند شدند و رفتند ( جمله دوم تنها از یک فعل تشکیل شده است )

جمله دوم

جمله اول

علی و مهدی با پای پیاده از مدرسه به خانه آمدند

فعل

**نکته :** در شمارش تعداد جمله ، گاهی با جمله هایی روبرو می شویم که بدون فعل هستند یعنی فعل در آن جمله ها حذف شده است مانند

مرد پرسید : خرگوش را کجا میبری ؟ پاسخ داد : به شهر . فعل جمله چهارم حذف شده است . به شهر ( می برم )

**نکته :** ندا و منادا هم یک جمله به حساب می آیند

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم

**برای تشخیص تعداد جمله :** تعداد فعل ها + فعل های حذف شده + شبه جمله + ندا و منادا

دریغا که فصل جوانی گذشت دریغا شبه جمله است

تمام انواع جمله ها دارای دو بخش نهاد و گزاره هستند

**نهاد :** قسمتی از جمله است که درباره آن خبر می دهیم (صاحب خبر)

**گزاره :** خبری است که درباره نهاد می دهیم (مهم ترین جزء گزاره فعل است)

نهاد و گزاره می توانند در جمله ، یک یا چند کلمه باشند .

فعل مهم ترین قسمت جمله و مهم ترین قسمت گزاره است

علی از مدرسه آمد . ( آمد فعل )      علی و حسین      از مدرسه آمدند ( آمدند فعل )

نهاد      گزاره      نهاد(گروه نهادی)      گزاره

• نهاد + گزاره : مثنوی مولانا ، بهترین شاهد برای سخن دل ماست

نهاد      گزاره

• گزاره + نهاد : گشت غمناک ، دل و جان عقاب

نهاد      گزاره

• گزاره + نهاد + ادامه گزاره ( نهاد بین گزاره قرار دارد ) : پس از ظهور اسلام ، تمدن عظیمی بوجود آمد

گزاره      نهاد      قسمت دوم گزاره

جمله ها از نظر معنایی به چند گروه تقسیم می شوند :

**جمله ی خبری** : جمله ای است که خبری را بیان می کند و مفهوم اطلاع دادن را در بردارد . نشانه ی نگارشی پایان جمله خبری نقطه ( . ) است

مریم بهترین دوست من است .      اکنون خورشید غروب کرده است .

**جمله پرسشی** : جمله ای است که در آن با پرسش یا سوالی رو برو هستیم . در پایان جمله پرسش از علامت ( ؟ ) استفاده می شود . جملات پرسشی می توانند با کلمه های پرسشی مانند ( چرا ، چگونه ، آیا و چه و ... ) و یا بدون این کلمه ها با تغییر لحن گوینده بیان شود

چگونه می تواند شکر خدا را به جای آورد ؟ ( با کلمه پرسشی )

علی امروز به مدرسه نیامد ؟ ( تغییر لحن گوینده )

**جمله ای امری** : جمله ای است که در آن دستور ، خواهش و یا درخواستی را بیان می کنند . در پایان جمله ی امری نیز از نقطه ( . ) استفاده می شود

خیر و غنیمت شمار ، جنبش باد ربیع .      خواهش می کنم از روی صندلی بلند شو .

**صورت منفی فعل امر را فعل نهی می نامیم.**      مزن بر سر ناتوان دست زور

**جمله عاطفی** : جمله ای که بیانگر احساس و عواطف و یا حالت تعجب و شگفتی می شود

مواردی مانند آرزو ، دعا و نفرین نمونه هایی از جمله عاطفی هستند . در آخر جمله های عاطفی علامت تعجب (!) استفاده می شود .

گاهی برای بیان حالات روحی از یکی از اصوات ( وای ، به ، هان ، عجب ، آفرین ، آه ، خوشا ، خدایا ، اف ، هیس و ... ) استفاده می شود که می تواند جانشین یک جمله باشد .

ای کاش من یک پرنده بودم ! به از این هوای تمیز !

افسوس که افسانه سرایان همه رفتند! ( بیان تاسف ) سپاس باد یزدان دانا و توانا ! ( بیان دعا )

ای کاش در امتحان قبول می شدم ! ( بیان آرزو ) عجب هوای خوبی ! ( بیان تعجب )

• گاهی برای زیبا و آهنگین شدن شعر ، معمولا جای اجزای جمله تغییر می کند برای نمونه گاهی فعل به جای این که در آخر جمله قرار گیرد در وسط یا آغاز جمله می آید  
باز به گردون رسید ناله هر مرغ زار

گاهی هم نهاد جابه جا می شود هرگز نرسد به منزل عشق بی بدرقه تو کاروان ها

جای نهاد آغاز جمله است . برای بدست آوردن نهاد از فعل جمله می پرسیم چه کسی ؟ یا چه چیزی ؟ چه کسی نمی رسد ؟ کاروان ها

در مرتب کردن اجزای جمله ، نهاد در اول و فعل در آخر جمله قرار می گیرد . یعنی یک شعر یا نثر قدیمی را در ابتدا مرتب می کنیم و بعد نهاد و گزاره آن را مشخص می کنیم

باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید ناله هر مرغ زاد

مصراع اول : باد بهاری از طرف مرغزار وزید ( وزید فعل )

نهاد گزاره

مصراع دوم : ناله هر مرغ زار باز به گردون رسید ( رسید فعل )

نهاد گزاره

**کارگاه نویسندگی :** هنگام نوشتن باید به نکات زیر توجه داشته باشیم

- از کاربرد کلمه های گفتاری و شکسته خودداری کنیم
- از تکرار کلمه ها بپرهیزیم
- ساده و خوانا بنویسیم

به موصوف و صفت ترکیب وصفی می گویند و به مضاف و مضافه الیه ترکیب اضافی . صفت درباره چگونگی اسم قبل از خودش توضیحی می دهد و به نوعی مشخصات آن را بیان می کند

اگر به آخر ترکیب تر اضافه کنیم و معنی بدهد وصفی است

مانند دوست مهربان + تر = دوست مهربان تر ترکیب وصفی

اگر معنی ندهد اضافی است

مانند راه مدرسه + تر = راه مدرسه تر ترکیب اضافی

## درس دوم

در زبان فارسی بین بعضی از کلمه ها ارتباط خاصی برقرار است ، به طور مثال هم خانواده ، متضاد یا مترادف

کلمه های هم خانواده کلمه هایی هستند که حروف مشترکی در میان آن ها وجود دارد

این کلمه ها باید دارای سه حرف مشترک باشند ، سه حرف مشترک آن ها به ترتیب باشد و از لحاظ معنایی به هم نزدیک باشند

علم - عالم - معلم - معلوم ( ع ل م )

عمل - عامل - عملیات - معمول ( ع م ل )

ترتیب قرار گرفتن حروف در دو مثال بالا با هم متفاوت است .

شغل - شاغل - مشغول ( ش غ ل )

طالب - مطلوب - طلاب ( ط ل ب )

لطیف - لطف - الطاف - لطافت ( ل ط ف )

پس :

- ریشه یا حروف اصلی آن ها یکی است ( هم ریشه )
- از نظر معنی کلمه های هر دسته به هم نزدیک هستند
- سه حروف اصلی به ترتیب در کلماتی که در یک خانواده هستند می آید
- همه واژه ها عربی هستند
- در زبان فارسی باید بن مضارع و بن ماضی را ملاک هم خانواده بودن قرار دهیم . کلمه هایی که بن ماضی و بن مضارع آن ها یکسان می باشد هم خانواده هستند  
روان - رفتار - روش - رفته - رونده
- بن ماضی این کلمه ها رفت و بن مضارع رو است و هر دو از مصدر رفتن ساخته شده اند  
دیدار - بینا - بینش - دیده - دیده بان - بیننده هم خانواده هستند چون که بن ماضی دید و بن مضارع بین در این کلمه ها یکسان است و از مصدر دیدن ساخته شده اند

کلمه های مخالف : کلمه هایی که از نظر شکل متفاوت اند و از نظر معنا مخالف یکدیگر هستند

بالا = پایین کم = زیاد

کلمه های مترادف : کلمه هایی که از نظر شکل با هم فرق دارند ولی معنای آن ها به هم شبیه است

غافل = بی خبر سهل = آسان لطف = مهربانی

## درس سوم

در زبان فارسی کلمه ها می توانند یک بخشی یا چند بخشی باشند ( هجا )

کلمه هایی مانند در ، سر ، گل ، دل ، پر ، رفت ، خورد دارای یک بخش ( هجا ) هستند

اما کلمه های زیادی در زبان فارسی دارای ۲ یا بیشتر از ۲ بخش ( هجا ) هستند که برای خواندن آن ها باید دقت بیشتری کرد

کلمه های دو بخشی : آمد - سرباز - خواهر - درویش - ترسناک

کلمه های سه بخشی : پشیمان - پادشاه - خوردنی - کارخانه - پاکیزه

نکته : هر حرفی که نوشته می شود اما خوانده نمی شود جز هجا ( بخش ) محسوب نمی شود مانند

خویش : خوانده می شود خیش = یک بخش ( هجا ) و به حساب نیامده است

خواندن : خوانده می شود خاندن = دو بخش ( هجا ) و جز هجا به حساب نیامده است

هجا از کنار هم قرار گرفتن چند واج ( صدا ) بوجود می آید .

برای شناخت هجا ( بخش )

- بخش های ( هجاهای ) زبان فارسی حداقل دو و حداکثر چهار واج ( صدا ) دارند مانند

تو = یک بخش دارد و از دو صدا (واج) ت / ضمه

کارد = یک بخش و از چهار صدا ( واجد) تشکیل شده است ک ا ر د

بعضی از کلمه ها در زبان فارسی به یک شکل نوشته می شوند ولی در معانی مختلف و با کمی تفاوت خوانده می شوند

ملک آن روز سوار بر اسب به شکار رفت ( ملک = پادشاه ) سلطان سلیمان بر ملک عثمانی حکومت می کرد ( ملک = سرزمین )

گاهی در خواندن و تشخیص کلمه باید دقت شود

شاه بازی داشت بازی آیا به معنای مسابقه است . آیا به معنای پرنده شکاری است

اگر در کلمه های چند بخشی بروی هر بخش مکث کوتاهی کنیم یک معنی بدست می آید . کلمه بازی از دو بخش تشکیل شده است اگر بروی بخش اول یعنی (با) تاکید کنیم معنی ورزش و مسابقه و اگر بروی بخش دوم (زی) تاکید شود معنی پرنده شکاری می دهد

و یا در این مثال او هر روزنامه ای می خواند

تاکید بر بخش اول روز : او هر روز، نامه ای می خواند

تاکید بر بخش دوم نامه ای : او هر روزنامه ای می خواند

شرح حال : یکی از راه های تمرین در نویسندگی نوشتن شرح حال است . در شرح حال نویسی به این نکته ها توجه می شوند زمان و محل تولد ، محل زندگی ، ویژگی های خلقی و جسمی و وقایع مهم زندگی و ...

## درس چهارم

### دانش های زبانی و ادبی

زبان مهمترین وسیله ارتباط بین انسان هاست که خداوند به همه ی انسان ها عطا کرده است.

زبان هر ملّتی ، ابزاری مشترک است که باعث وحدت و یکپارچگی مردم آن کشور می شود و نمایش دهنده ی فرهنگ آن کشور است.

زبان چند چهره (شکل) دارد: یکی «آوا و صدا» یکی «خط» و دیگری « اشاره » است.

آوا و صدا یعنی صداهایی که ما انسان ها به کمک آنها، با یکدیگر صحبت می کنیم و در گفتار ما ظاهر می شود؛ ما صداها را با گوش دادن می فهمیم.

گاهی زبان، به جای گفتن، به شکل اشاره به کار گرفته میشود؛ یعنی ما با علائم و اشاره ها منظور خود را به طرف مقابل می فهمانیم و شبیه بازی پانتومیم است یا زبان ناشنویان.

سومین چهره (شکل) زبان که سخت ترین آن نیز می باشد خط است. ما از طریق دیدن و کمک چشم با خط آشنا می شویم. هر کلمه، تلفظ، معنی و معمولاً یک شکل نوشتن دارد؛ اما بعضی از کلمه ها دو تلفظ یا دو شکل و دو یا چند معنی دارند.

نوشتن در اصل به کار گرفتن قواعد و قراردادهای تعیین شده در هر جامعه است.

**مثال:** الف ( لانه کیبوتر یا لانهء کیبوتر ، کتاب خانه یا کتابخانه

ب) جست و جو یا جستجو، گفت و گو یا گفتگو

**جمع کلمه ها :** در زبان فارسی برای جمع بستن کلمه ها، از نشانه های جمع استفاده می شود. مانند: ان ، ها، جات

**مثال :** الف) پرنده پرنده ها ب) دانش آموز دانش آموزان

ج) سبزی سبزیجات

البته برخی نشانه های جمع عربی مانند ( ات، ون، ین ) نیز در زبان فارسی به کار برده می شود.

مثال: الف) کلمه کلمات ب) سیاره سیارات

ج) معلم معلمین د) روحانی روحانیون

نکته: «ان» همیشه در کلمه نشانه ی جمع نیست. مانند: گریان، باران، زاهدان

نکته: نوعی دیگر از جمع کلمه ها جمع مکسر است که از هیچ نشانه ای در آن استفاده نمی شود و شکل کلمه تغییر نمی کند.

مثال: الف) ورق اوراق ب) عضو اعضا

ج) شهید شهدا

نکته: در بعضی از کلمه ها وقتی «ان» برای جمع بستن به کار برده شود، تغییراتی در کلمه به وجود می آید .

مثال: الف) ستاره + ان ستارگان

ب) خزنده + ان خزندگان

در زبان فارسی دو نوع نشانه جمع وجود دارد : ها - ان مانند

کلمه مفرد	نشانه جمع	کلمه جمع
فرزند	ان	فرزندان
پسر	ان	پسران
بزرگ	ان	بزرگان

کلمه مفرد	نشانه جمع	کلمه جمع
مرد	ها	مردها
درخت	ها	درخت ها
کتاب	ها	کتاب ها

نکته : تقریباً همه اسم ها را با نشانه ی ها می توان جمع بست . مانند کاغذها ، روستاها، کشورها

بیشتر جانداران را می توان با ان جمع بست مانند اسبان ، آهوان ، مردان ، دختران و....

توجه : همیشه این گونه نیست که به سادگی نشانه ی جمع ان به واژه ها بپیوندند و بدون هیچ تغییری کلمه جمع ساخته شود . در برخی از واژه ها تغییراتی به وجود می آید تا شکل جمع به دست آید .

الف ) اگر کلمه هایی به ه پایان پذیرد و ه صدای کسره بدهد هنگام جمع بستن با ان ، گ میانجی اضافه می شود مانند

کلمه مفرد	نشانه جمع ان	کلمه جمع
واژه	ان	واژگان
رفته	ان	رفتگان
خسته	ان	خستگان

ب ( کلمه هایی که به ا یا و پایان می پذیرند هنگام جمع بستن با ان ، ی میانجی به آن ها اضافه می شود مانند

کلمه مفرد	نشانه جمع ان	کلمه جمع
آشنا	ان	آشنایان
دانا	ان	دانایان
دانشجو	ان	دانشجویان

بیشتر بدانید : ان همیشه نشانه ی جمع نیست ، بلکه کاربردهای مختلفی دارد که زیر آورده می شود :

- نشانه ی زمان : بامدادان - سحرگاهان - بهاران
- نشانه مکان : گیلان - دیلمان - سپاهان
- نشانه صفت ساز : گریان - خندان - نالان - دوان

نکته : ات نشانه ی جمع عربی است که در فارسی کاربرد دارد مانند اطلاعات - انتظامات

نکته : جمع بستن واژه های فارسی با نشانه جمع عربی ات از نظر نگارشی ، نادرست است بنابراین جمع واژه های پیشنهادات ، گزارشات ، فرمایشات و آزمایشات اشتباه است و جمع این کلمه های فارسی با نشانه های ها به کار می رود

یادآوری : جمع مکسر ویژه ی زبان عربی است و برای این جمع ها مفرد هم وجود دارد و برخی از آن ها در زبان فارسی هم کاربرد دارند مانند

مفرد	جمع مکسر	مفرد	جمع مکسر
شکل	اشکال	ادب	آداب
عمل	اعمال	اثر	آثار
عقیده	عقاید	حاکم	حکام
اسیر	اسرا	حکم	احکام
حس	حواس	حکیم	حکما
ادیب	ادبا	مکتب	مکاتب
نبی	انبیا	دین	ادیان
امر	اوامر	سانحه	سوانح



## درس پنجم

### دانش های زبانی و ادبی

به ابزارهایی که شاعر یا نویسنده برای زیبا کردن و اثر گذاری بیشتر نوشته اش استفاده می کند، «آرایه های ادبی» می گویند. در این درس به دو آرایه ی ادبی به نام «مبالغه» و «کنایه» اشاره شده است.

**مبالغه (بزرگ نمایی):** وقتی یک موضوع بسیار بزرگ تر از آنچه هست وصف می شود در آن مبالغه شده است.

**مثال:** الف) مادرم آنقدر گریه کرد که سیل راه افتاد      زیاد گریه کردن

ب) او با یک دست، کوه را از جای می کند.      قدرت زیاد

ج) از تعجب شاخ در آوردم .      تعجب بیش از اندازه

### کنایه

هنگامی که شاعر یا نویسنده درباره ی موضوعی به طور غیر مستقیم سخن می گوید به آن «کنایه» گفته می شود، یا به عبارتی پوشیده و به رمز سخن گفتن ، که همان پنهان بودن معنای مورد نظر است.

ما باید برای پیدا کردن منظور نویسنده یا شاعر، معنای ظاهری را کنار بگذاریم.

کنایه دو مفهوم دور و نزدیک دارد که منظور گوینده، معنای دور آن است.

**مثال:** الف) آب در هاون کوبیدن      کار بیهوده و بی فایده کردن.

ب) در خانه ی او همیشه باز است.      بخشنده و مهمان نواز است.

ج) دست به دامن شدن      خواهش و التماس کردن.

۱- مبالغه ( اغراق ) : گاه شاعران و نویسندگان برای افزودن بر تاثیر و قدرت سخن خود ، رویدادها را بسیار بیشتر از آن

چه هست توصیف می کنند . به این گونه بزرگ نمایی در بیان حوادث مبالغه می گویند

مثال :

که گفتت برو دست رستم ببند ؟ نبندد مرا دست ، چرخ بلند

در این بیت شاعر در قدرت و توانایی رستم مبالغه کرده است که از نظر عقل ، باور کردنی نیست یعنی روزگار هم نمی تواند دست رستم را ببندد و او را اسیر کند .

خروشید و جوشید و برکند خاک      ز سمش زمین شد همه چاک چاک

در این بیت شاعر در جوش و خروش ( خشم ) اسب رستم ( رخس ) مبالغه کرده است .

بگذار تا بگیریم چون ابر در بهاران کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

در مصراع اول در اشک بسیار مبالغه شده و در مصراع دوم در ناله کردن سنگ در جدایی دو نفر مبالغه شده است

نکته : گاهی در بیت یا جمله ای که مبالغه شده است واژه ی صد یا هزار هم می آید مانند

شخصی به هزار غم گرفتارم در هر نفسی به جان رسد کارم

در این بیت شاعر در غم های بسیار مبالغه کرده است

دلم گرفته از این روزها دلم تنگ است میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است

در این بیت شاعر در فاصله ی بسیار زیاد بین خود و دوستنش اغراق کرده است

توجه : همیشه صد و هزار دلیل بر مبالغه بودن نیست

هزار نفر از راه رسیدند و صد نفرشان مرد بودند . در این مثال هیچ گونه مبالغه ای وجود ندارد

۲- کنایه : در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است . وقتی درباره مطلبی به طور غیر مستقیم صحبت می کنیم به آن

کنایه می گوئیم کنایه سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده معنای دور آن است

مثال :

هنوز از دهن بوی شیر آیدش :

- معنای نزدیک : دهن بوی شیر می دهد - معنای دور : بچه بودن

دست از من بردار :

- معنای نزدیک : به من دست نزن یا دستت را بردار - معنای دور : مرا رها کن

پشت پا زدن به چیزی

- معنای نزدیک : با پا ضربه زدن به آن چیز - معنای دور : بی اعتنایی و ترک آن چیز

هر چه باشد او گل است ، گل یکی دو پیرهن ، بیشتر از غنچه پاره کرده است

یکی دو پیرهن پاره کردن :

- معنی نزدیک : پیراهن بیشتر پوشیدن و پاره کردن - معنی دور : با تجربه بودن

کنایه های دیگر : پنبه را از گوش در آوردن - دسته گل به آب دادن - زبان کسی مو درآوردن - یک چشم به هم زدن

- جان به در بردن - دل از دست دادن

## درس ششم

### دانش های زبانی و ادبی

گاهی در یک جمله یا شعر یا عبارت، کسی یا چیزی را مخاطب قرار می دهیم یا آن را صدا میزنیم؛ به این صدا زدن یا فراخواندن «ندا» می گویند.

کسی یا چیزی که به آن ندا داده شود یا او را صدا زده باشند «منادا» نام دارد.

منادا می تواند همراه با نشانه باشد. به این نشانه ها «حروفِ ندا» گفته میشود. مهمترین حروف ندا عبارت اند از: [ «ای، یا، آی ، آلا، ایها» قبل از کلمه ی منادا و حرف «ا» بعد از کلمه ی منادا ] مانند: ای مرد، یا علی ، سعدیا  
**نکته:** گاهی اوقات ، منادا بدون حرف یا نشانه ی ندا می آید.

**مثال:** «سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد»

گاهی حرف ندا وجود دارد ولی منادا حذف شده است: ای نام تو بهترین سر آغاز ( ای خدا، نام تو بهترین سر آغاز )

**نکته:** تمام حروف ندا قبل از واژه می آیند، به جز «آ» که در آخر واژه می آید.

**مثال:** سعدیا : سعدی + آ / خدایا: خدا + آ ( ی میانجی برای راحت تر خواندن )

**نکته:** به طور کلی ، هر واژه ای که با آن فردی را مخاطب قرار دهیم منادا است.

**مثال:** آقای محترم ، خواهر جان ، عزیزم و ...

**نکته:** منادا به تنهایی ، یک جمله به حساب می آید. **مثال:** الهی ، یکتای بی همتایی.

جمله

برای ندا و منادا نمی توان نهاد و گزاره تعیین کرد. **مثال:** سعدیا! مرد نکونام نمیرد هرگز

جمله ی ۱ نهاد گزاره

جمله ی ۲

## درس هفتم

### دانش های زبانی و ادبی

در ادبیات فارسی آهنگ خواندن یک کلمه می تواند معنای آن جمله را تغییر دهد؛

**مثال:** گر رسد، دشمنی برای وطن در اینجا دشمنی اشاره به یک دشمن دارد.

**مثال:** گر رسد دشمنی، برای وطن اما در اینجا اشاره به عمل دشمنی کردن دارد.

به کلمه ای که مورد خطاب قرار می گیرد منادا می گویند مانند :

ای صبا! گر بگذری بر ساحل رود ارس ای : ندا صبا : منادا

نکته : برای خطاب کردن و مخاطب قرار دادن کسی از نشانه های ندا استفاده می کنیم

نشانه های ندا عبارت اند از : ای ، یا ، ایا و ا در آخر اسم مانند

ایا شاه محمود کشور گشای یارب حافظا

نکته : گاهی نشانه های ندا از جمله حذف می شود مانند

سعدی ! به روزگاران مهری نشسته بر دل

نکته : نمی توان برای ندا و منادا ، نهاد و گزاره تعیین کرد مانند :

الهی ! عنایت تو کوه است الهی : جمله اول عنایت تو کوه است : جمله دوم

منادا نهاد گزاره

## درس هشتم

### دانش های زبانی و ادبی

نشانه های نگارشی ، علامت و نشانه هایی هستند که برای آسان تر خواندن و درک و فهم بهتر مطالب به ما کمک می کنند.

بعضی از نشانه های نگارشی که کاربرد بیشتری دارند عبارت اند از:

#### نقطه (.) :

● علامت توقف و یا ایستادن در خواندن است. مثال: امروز آسمان صاف است.

● نقطه در پایان همه ی جمله ها به جز جمله های پرسشی و تعجبی می آید.

مثال: هم اکنون دمای هوا بالا رفته است.

● گاهی نقطه پس از حروفی قرار می گیرد که به عنوان علامت اختصاری کلمه های مختلف به کار رفته اند.

مثال: ه.ق (هجری قمری) ، ق.م (قبل از میلاد مسیح) ، ن.یوشیج (نیما یوشیج) ، م.بهار (محمد تقی بهار)

### ویرگول، کاما (درنگ نما) (،) :

● میان عبارت ها یا جمله ها برای جدا کردن کلمه یا عبارت توضیحی به کار می رود و نشانه ی کمی درنگ کردن است.

مثال: دانش آموزان کلاس ششم ، دانش آموزان پر تلاشی هستند.

● ویرگول پس از منادا می آید.

### مثال:

خدایا، چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

● ویرگول بین واژه های هم پایه و به جای «و» می آید.

مثال: مریم، زهرا، سارا و پارمیدا در یک مدرسه تحصیل می کنند.

● ویرگول بین دو کلمه می آید که امکان دارد با کسره ی اضافه خوانده شود.

مثال: آسمان ، آبی دیده می شود.

● ویرگول به جای مکث کوتاه در جمله می آید.

مثال: در تاریخ، انسان های بسیاری بوده اند.

### دو نقطه (:):

● قبل از نقل قول : مثال: لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟

● هنگام برشمردن اجزای یک چیز: مثال: من چند چهره دارم: آوا و صدا، خط و اشاره

● مقابل واژه هایی که می خواهیم آنها را معنی کنیم. مثال: مقصد: هدف

### علامت سؤال (?):

● در پایان جمله ی پرسشی. مثال: دلا، دیدی آن عاشقان را؟

● برای نشان دادن مفهوم تردید. مثال: وفات حافظ در سال ۷۲۱ (? ) اتفاق افتاد.

● برای مفهوم استهزا یا ریشخند. مثال: او نابغه (? ) است.

## علامت تعجب (!) :

- در پایان جملات تعجیبی، تأکیدی و عاطفی

**مثال:** الف) عجب روزگاری است!      ب) پسرم! هیچ گاه خدا را فراموش نکن!

- پس از صلوات.

**مثال:** هان! ای دل عبرت بین

**گیومه ( « » ) :**

برای نشان دادن ابتدا و انتهای سخنی که به طور مستقیم از جایی یا کسی نقل می شود. از گیومه استفاده می شود.

**مثال:** آقا معلّم رو به من کرد و گفت: « ببین پسرم! همه ی این ها دوست تو هستند. »

- اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی یا فنی (فقط برای بار اول) داخل گیومه می آید.

**مثال:** یکی از زیباترین بخش های شاهنامه «هفت خان رستم» است.

**کمانک (()) :**

توضیحات اضافه ای که جزو متن نیست، درون کمانک می آید.

**نقطه ویرگول (;) :**

- برای جدا کردن جمله هایی که از جهت ساختمان و مفهوم ، مستقل به نظر می رسند؛ ولی در یک عبارت طولانی با یکدیگر بستگی معنایی دارند.

**مثال:** برای نگارش گزارش خوب باید فکر کرد؛ منابع را جمع آوری کرد؛ فرصت ها را تنظیم کرد و ... .

اگر در یک متن پس از اتمام جمله ای ، جمله ی دیگر نوشته شود که در توضیح بیشتر جمله ی اول باشد از این علامت پس از جمله ی اول استفاده می شود و معمولاً بین دو جمله و پس از علامت «:» از واژه هایی مانند ( یعنی، مانند، امّا، مثلاً و...) استفاده می شود.

**مثال:** اسپران جنگی به میهن بازگشتند؛ امّا از تندگویان دلاور خبری نشد.

منظور از نشانه های نگارشی ( علائم سجاوندی ) ، به کار بردن علامت ها و نشانه هایی است که خواندن و در نتیجه درک معنی و مفهوم متن را آسان می کند

۱- نقطه : علامت توقف یا ایستادن در خواندن را نشان می دهد و در پایان جمله ها می آید

این سینا ، یکی از دانشمندان بزرگ ایران است . ( خیری )

۲- ویرگول یا درنگ نما : نشانه ای است که میان عبارت ها یا جمله ها و برای جدا کردن کلمه بین یا عبارت توضیحی یا برای جدا کردن اسم های اشخاص و ... به کار می رود .  
بین دو کلمه : ما ، در راه حق ، قدم برمی داریم .

بین عبارت و جمله ها : از راه دوری آمده بود ، از آن سوی بیابان ها .

جدا کردن اسم های اشخاص : فردوسی ، سعدی و حافظ از شاعران توانای شعر فارسی هستند

۳- دو نقطه : پیش از نقل قول ، هنگام توضیح دادن ، شمردن اجزای یک چیز و هنگام معنی کردن کلمه به کار می رود  
قبل از نقل قول : حضرت علی (ع) فرمودند : دنیا گذرگاه است نه قرارگاه .  
هنگام توضیح دادن کلمه : رمه : دسته ی حیوانات ، گله گاو و گوسفند

هنگام شمردن اجزای یک چیز : آثار سعدی عبارت اند از : گلستان ، بوستان ، غزلیات و ...

۴- علامت سوال : در پایان جمله های پرسشی یا برای نشان دادن شک و تردید یا ریشخند ( مسخره کردن ) به کار می رود

پرسش : که بر او هیزم است یا دفتر ؟

برای ریشخند : او بسیار دانشمند (؟) است .

برای شک و تردید : جمعیت ایران از مرز هفتاد و پنج میلیون (؟) گذشت .

۵- نشانه ی بیان عاطفه یا تعجب : در پایان جمله های تعجبی و جمله هایی که یکی از حالت های عاطفی مثل : آفرین ، تاکید ، افسوس ، آرزو ، دعا ، ندا و .... به کار می رود .  
دریا قلی ! رکاب بزن ، یا علی بگو .  
افسوس ! که عمر بر باد برفت .

۶- گیومه : این نشانه ، در بیشتر موارد برای نشان داد آغاز و پایان سخن کسی به جز نویسنده است که در بین نوشته ی وی آمده است یا برای مشخص کردن و برجسته نشان دادن کلمه یا اصطلاحی خاص به کار می رود  
نقل سخن از کسی : پیامبر (ص) فرمودند : « ز گهواره تا گور دانش بجوی ».

ذکر عنوان مقاله ها ، اشعار ، روزنامه ها و ... : باب هشتم گلستان سعدی در « آداب صحبت » است .

۷- سه نقطه : برای نشان دادن جملات و کلمات حذف شده و سخن ناتمام به کار می رود .

آرایه های ادبی ، دستور زبان فارسی و .... مجموعه ی ادبیات فارسی را تشکیل می دهند .

سخن نا تمام : شما .... خدای نکرده ....

## درس نهم

### دانش های زبانی و ادبی

روش های استفاده از کتابخانه عبارت اند از:

● از طریق فهرست عناوین (با استفاده از اسم کتاب)

● از طریق فهرست پدید آورندگان (کسانی که کتاب را پدید آورده اند)

● از طریق فهرست موضوعی (با توجه به موضوعی که به دنبال آن هستید)

برای یافتن یک واژه در فرهنگ های لغت، لازم است بدانیم که در تنظیم الفبایی ابتدا حرف اول واژه ها و در صورت یکسان بودن آنها حروف بعدی مورد توجه قرار می گیرد.

**مثال:** به این کلمه ها دقت کنید.

( رضایت، راضی، رزمنده، رونق، رشادت )

حالا به تنظیم الفبایی کلمه های بالا توجه کنید.

( راضی - رزمنده - رشادت - رضایت - رونق )

### ساخت واژه های جدید

در زبان فارسی برای ساختن کلمه ها راه های مختلفی را آموختیم، از جمله ی این راه ها به «ترکیب کلمه ها» می توان اشاره کرد.

یکی از این ترکیبات، اضافه کردن واژه ی «نامه» به پایان کلمه ی دیگری می باشد.

**مثال:** روز + نامه = روزنامه      یا      کار + نامه = کارنامه

دعوت + نامه = دعوت نامه      یا      زیارت + نامه = زیارت نامه

و یا ترکیبات دیگری مانند اضافه شدن کلمه ی «خانه»

**مثال:** داروخانه ، کارخانه ، شفاخانه ، قهوه خانه ، چای خانه

### دوبیتی

دوبیتی دارای محتوای عاشقانه و عارفانه است و از چهار مصراع تشکیل شده است.

در دوبیتی ها مصراع اول و دوم و چهارم هم قافیه هستند.

**مثال:**

۱) دلی دیرم خریدار محبت      کز او گرم است بازار محبت

لباسی دوختم بر قامت دل      ز بود محنت و تار محبت

۲) بود درد مو و درمانم از دوست      بود وصل مو و هجرانم از دوست



اگر قصایم از تن واکره پوست جدا هرگز نگردد جانم از دوست

تاکنون راه های مختلفی را برای ساختن کلمه در زبان فارسی فرا گرفته اید . یکی دیگر از راه های ساخت کلمه های جدید ، افزودن واژه ی ( نامه ) به پایان کلمه نخست است

دعوت نامه زیارت نامه

به مطالبی که برای کسی یا سازمانی بر روی کاغذ نوشته می شود و معمولاً در پاکت قرار می گیرد و به وسیله پست به دست گیرنده می رسد نامه می گویند

در دستور زبان فارسی گاهی برای ساختن یک واژه ی مرکب ( واژه هایی که از دو یا سه جز معنی دار ساخته می شوند ) از کلمه نامه استفاده می شود

شناس + نامه : نوشته ای که اطلاعات و مشخصات شخصی هر فرد در آن نوشته می شود

سفارش + نامه : نوشته ای که در آن از شخصی برای دیگری درخواست انجام کاری می شود

## درس دهم

### دانش های زبانی و ادبی

#### قالب های شعری

شعر ها از نظر قالب، انواع گوناگونی دارند که مشهورترین آنها عبارت اند از:

**غزل:** قالب شعری است که به بیان احساس، عاطفه ، فراق ، جدایی و عشق و عرفان می پردازد و تعداد ابیات آن بین ۵ تا ۱۵ بیت است.

از غزل سرایان مشهور زبان فارسی می توان به مولوی،سعدی و حافظ اشاره کرد.

**قصیده:** قالب شعری است که در آن شاعر غالباً به ستایش،نکوهش،وصف طبیعت و مسائل اخلاقی می پردازد. تعداد ابیات آن معمولاً از ۱۵ تا ۶۰ بیت است. از قصیده سرایان مشهور می توان رودکی،سعدی و ملک الشعرا را نام برد.

غزل و قصیده در شکل قرار گرفتن قافیه شبیه هم هستند ولی تعداد بیت ها معمولاً در غزل کمتر از قصیده است

**مثنوی ( دوگانی ) :** این قالب شعری از پرکاربرد ترین انواع شعر است. همه ی بیت های قالب مثنوی،وزن یا آهنگ یا ریتم یکسانی دارد. واژه ی مثنوی به معنی «دوتایی» است؛ زیرا مصراع های هر بیت، دوتا دوتا با هم ، هم قافیه هستند و قافیه ی جداگانه ای از بیت های دیگر دارند. از مثنوی برای سرودن داستان های بلند استفاده شده است؛ مانند شاهنامه ی فردوسی، بوستان سعدی و مثنوی مولوی.

**قالب شعری غزل:** این شکل نمودار قافیه یا همان شکل قرار گرفتن قافیه در غزل می باشد.

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

**مثال:** ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی

دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی

دایم گل این بستان شاداب نمی ماند

دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

دیشب گله ی زلفش با باد همی کردم

گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

**قالب شعری قصیده:** در غزل و قصیده قافیه ی مصرع اول با قافیه ی مصرع های زوج یکی است.

× \_\_\_\_\_ × \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_ \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_ \_\_\_\_\_

**مثال:** بهار تازه دمیده ای به روی رشک بهار

بیا و روز مرا خوش کن و نبید بیار

همی به روی تو ماند بهار دیبا روی

همی سلامت روی تو و بقای بهار

رخ تو باغ من است و تو باغبان منی

مده به هیچ کس از باغ من، گلی ز بهار

**قالب شعری مثنوی:** در مثنوی همه ی ابیات یک وزن و دو مصرع هر بیت قافیه های جداگانه دارد.

◇ \_\_\_\_\_ ◇ \_\_\_\_\_

□ \_\_\_\_\_ □ \_\_\_\_\_

△ \_\_\_\_\_ △ \_\_\_\_\_

○ \_\_\_\_\_ ○ \_\_\_\_\_

## مثال:

شیخ خندید و بگفتش ای سلیم      این درخت علم باشد ای علیم  
تو به صورت رفته ای ای بی خبر      زان ز شاخ معنی ای، بی بار و بر  
گه درختش نام شد، گاه آفتاب      گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب  
آن یکی کش صد هزار آثار خاست      کمترین آثار او، عمر بقاست

**نکته:** در مثنوی چون قافیه های هر بیت مستقل و جداگانه است، شاعر راحت تر می تواند شعرهای طولانی بسازد، پس این برای سرودن داستان های تاریخی و حماسی و... مناسب است.

قطعه: شعری است که مصراع های دوم همه بیت های آن هم قافیه هستند حداقل بیت های قطعه دو بیت است اما حداکثر مشخص نشده است

در قطعه به پند و اندرز و مسایل اخلاقی و اجتماعی پرداخته می شود

معروف ترین قطعه سرایان ابن یمین ( قرن هشتم ) انوری ( قرن ششم ) و پروین اعتصامی ( معاصر ) می باشد

چهار پاره ( دو بیتی پیوسته ) از چند دو بیت تشکیل شده است که در مصراع های دوم آن قافیه وجود دارد و در هر بیت قافیه تغییر می کند

شعر نیمایی (نو): در این شعر مصراع ها برخلاف قالب های دیگر زیر هم قرار می گیرند و قافیه ها نظم خاصی ندارند

## درس یازدهم

### دانش های زبانی و ادبی

#### تشبیه

تشبیه یعنی مانند کردن کسی یا چیزی به کسی یا چیز دیگر

**مثال:** شهید چون چراغی است که در خانه ی ما می سوزد و شقایق سرخ است.

مشبه

**نکته:** تشبیه ابزاری است جهت زیبا و گیرا و اثر گذارتر شدن یک نوشته

برگ درختان سبز در نظر هوشیار آینه ی رازهاست

برگ درختان سبز به آینه ی راز تشبیه شده است

**ارکان تشبیه:** هر تشبیه چهار قسمت یا چهار رکن دارد.

۱- **مشبّه:** چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. **مثال:** واژه ی «شهمید» در اینجا

۲- **مشبّه به:** چیزی یا کسی که «مشبّه» را به آن مانند کرده ایم. **مثال:** کلمه «شقایق»

۳- **وجه شبّه:** ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به. **مثال:** کلمه ی «سرخ» در بالا

۴- **ادات تشبیه:** واژه ای که نشان دهنده ی پیوند شباهت است. **مثال:** واژه ی «چون» در بالا

کلمه هایی هستند که طرف اول (مشبه) را به طرف دوم (مشبه به) پیوند می دهند مانند چو، چون

**نکته:** از مهمترین ادات تشبیه می توان به «مانند، مثل، هم چون، هم چو، گویی، برسان، بسان» اشاره کرد.

به طرف اول و طرف دوم اجزای اصلی تشبیه می گویند که در جمله حذف نمی شود

چو و چون اگر به معنی مثل و مانند باشد می توانند ادات تشبیه باشد

نکته: به ادات تشبیه و وجه شبه اجزای فرعی تشبیه می گویند یعنی قابل حذف هستند

ایام گل چو عمر به رفتن، شتاب کرد

ایام گل طرف اول: مشبه چو: ادات تشبیه عمر: طرف دوم (مشبه به) شتاب کرد (وجه شبه)

نکته: گاهی ادات تشبیه و وجه شبه با هم حذف می شوند و طرف اول و دوم با کسره به هم پیوند داده می شوند که به این

تشبیه اضافه تشبیه می گویند

درخت علم همیشه بار معرفت می دهد. درخت علم بار معرفت: اضافه تشبیه

علم به درخت و معرفت به بار مانند شده است

طرف اول طرف دوم طرف اول طرف دوم

## عناصر داستان

یک داستان نویس برای نوشتن یک داستان کامل و بدون نقص باید عناصر داستان خود را مشخص و نقشه ی عناصر داستان

را ترسیم نماید.

این عناصر مهم عبارت اند از:

۱- **شخصیت ها:** شامل تمام افرادی می شود که در داستان حضور دارند.

۲- **زمان:** نشان دهنده ی زمان رخ دادن این داستان می شود.

۳- **مکان:** داستان نویسی باید دقیقاً مکان داستان را مشخص و توصیف کند.

۴- **رویدادها و حوادث:** این حوادث شامل موضوع داستان و مسیر رویدادهای داستان از ابتدا تا انتها می شود.

۵- **پیام:** هر داستانی پس از اتمام، پیامی را باید به ذهن خواننده انتقال دهد که برای خواننده به راحتی قابل درک باشد.

## درس دوازدهم

### دانش های زبانی و ادبی

در گذشته و در متن های کهن فارسی، بعضی از فعل ها به شکل خاصی به کار برده می شده که امروزه دیگر به آن شکل ها به کار برده نمی شود.

**مثال:** همی طلب، همی دار      به جای بطلب و بدار

متون کهن      زبان امروزی

یکی از این موارد، فعل امر است.

### فعل امر:

فعل امر: فعلی است که انجام کاری را به صورت خواهش و یا فرمان از شنونده درخواست می کند؛

**مثال:** برو، بگو، بخور، بیوش و...

### روش ساختن فعل امر

در ساخت فعل امر همیشه بن مضارع وجود دارد. فعل امر با اضافه کردن «ب» به اول بن مضارع ساخته می شود.

دوم شخص مفرد      برو: ب + بن مضارع

دو ساخت فعل امر

دوم شخص جمع      بروید: ب + بن مضارع + ید

**نکته:** گاهی در فعل امر «ب» حذف می شود و ما از روی مفهوم جمله، متوجه امری بودن فعل می شویم.

**مثال:** رو که زمان کوتاه است رو برو

در زمان گذشته به جای (ب) در فعل امر نشانه های دیگری مانند «همی» وجود داشت.

**مثال:** همی طلب / بطلب / همی دار / بدار

## روش ساختن بن مضارع

اول، حالت دستوری یا امری فعل مورد نظر را می نویسیم. سپس «ب» را از ابتدای فعل امر ساخته شده حذف می کنیم.

**مثال:** فعل خوردن حالت امری آن می شود بخور و بن مضارع با حذف کردن «ب» از ابتدای آن به دست می آید.

بخور بن مضارع خور

## درس چهاردهم

### دانش های زبانی و ادبی

### شخصیت بخشی (تشخیص)

یکی دیگر از تکنیک های زیبایی بخشیدن به یک متن یا شعر آرایه ی «شخصیت بخشی» می باشد. شاعر یا نویسنده برای زیبا ساختن و ساده تر کردن مفاهیم شعر و نوشته ی خود از زبان موجودات و اشیا سخن می گوید و اعمال انسانی را به آنها نسبت می دهد.

به عبارتی شاعر یا نویسنده ویژگی های انسان را به غیر انسان نسبت می دهد.

### مثال:

الف) غنچه با دل گرفته گفت: زندگی لب ز خنده بستن است.

ب) گل به خنده گفت: زندگی شکفتن است.

در این مثال ها شاعر خندیدن، سخن گفتن و غمگین شدن را که از صفات انسانی است به غنچه و گل نسبت داده است.

**مناظره:** مناظره نیز مانند شخصیت بخشی یکی از روش های مورد استفاده ی شاعران و نویسندگان است.

**مناظره** به معنای گفت و گوی دو نفره و بیان نظرات هر یک می باشد. گاهی در نوشته یا شعر، شخصیت های انسانی و یا غیر انسانی به صورت پرسش و پاسخ و یا بحث، به گفت و گو می پردازند.

در شعر «راز زندگی» قیصر امین پور با روبه رو قرار دادن غنچه و گل از شیوه ی مناظره استفاده کرده است.

نکته : هرگاه بعد از نشانه ی ندای (ای) غیر انسان قرار گیرد آرایه ی تشخیص به وجود می آید ای نسیم سحر خیز آرمگه یار کجاست . که در این مصراع ای نسیم سحر خیز آرایه ی تشخیص است چون نسیم غیر انسان است و مورد خطاب واقع شده است یعنی ما با نسیم در حال صحبت هستیم

توجه : به آرایه های شخصیت بخشی آدم نمایی ، جان بخشی و تشخیص هم می گویند

دست در دامن مولا زد ، در که علی بگذر و از ما مگذر

دست به در و مصراع دوم حرف زدن با حضرت علی به در نسبت داده شده است

## درس پانزدهم

### دانش های زبانی و ادبی

قالب شعر «میوه ی هنر» **قطعه** است. قطعه شعری است که مصراع های زوج آن هم قافیه اند؛ موضوع آن اخلاقی، اجتماعی، و پند و اندرز است. بیت های قطعه از ابتدا تا پایان به یکدیگر مربوط هستند؛ تعداد بیت های قطعه بین سه تا پانزده بیت است؛ اما گاهی تا پنجاه بیت و بیش از آن هم رسیده است. از میان شاعران پارسی زبان، انوری، ابن یمین و پروین اعتصامی بیش از دیگران به قالب قطعه پرداخته اند.

نمودار زیر چگونگی قرار گرفتن قافیه در قطعه را نشان می دهد.

× \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_

× \_\_\_\_\_

### واژه های مخفف ( کوتاه شده )

گاهی در اشعار و متون فارسی ، نویسندگان و شاعران برای حفظ وزن و آهنگ شعر، کلمه ها را به شکل کوتاه شده یا مخفف آنها به کار می برند.

**مثال:** اکنون مخفف کنون ، اگر مخفف گر ، سیاه مخفف سیه ←

مهمترین واژه هایی که به صورت کوتاه شده به کار برده می شود، عبارت اند از:

دیشب یا دیروز مخفف دی ، شاه مخفف شه ، گاه مخفف گه ، ماه مخفف مه ←

شبه جمله

شبه جمله به واژه هایی گفته می شود که شباهتی به جمله ندارند، دارای نهاد و گزاره نیستند؛ اما به تنهایی معنای یک جمله ی کامل را دارند.

شبه جمله ها حالت هایی مانند: آرزو، غم ، شادی ، تشویق، حسرت، تعجب و هم چنین حالات روحی و درونی را بیان می کنند. ( به این شبه جمله ها ، صورت نیز گفته می شود.)

**مثال:** افسوس ، آفرین، ای، کاش، دریغ ، آوخ، آه ، ای داد و بیداد و ...

**نکته:** منادا و ندا نیز می تواند شبه جمله باشد .

**مثال:** یا رسول الله ، خدایا ، حافظا

**نکته:** منادا همیشه با نشانه ی ندا همراه نیست .

**مثال:** دریا قلی ای دریا قلی ←

**نکته:** برخی از شبه جمله ها از زبان عربی وارد زبان ما شده است. مانند: ( ما شاء الله )

**مهم:** در هنگام شمارش تعداد جمله های یک عبارت، باید توجه داشته باشیم که هر شبه جمله ، یک جمله ی کامل به شمار می رود.

نکته :این واژه ها در صورتی که کاربرد اسم داشته باشد شبه جمله نیستند

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

حیف اسم است و شبه جمله حساب نمی شود

شبه جمله ها دارای نهاد و گزاره نیستند اوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی

## درس شانزدهم

### دانش های زبانی و ادبی

یکی از ترکیب های جدید برای ساختن واژه ها، ترکیب کلمه با (خوان / خوانی ) می باشد.

**مثال:** آواز + خوان یعنی کسی که آواز می خواند.

**مثال:** آواز + خوانی یعنی فعل آواز خواندن

از ترکیب واژه های بسیاری با خوان و خوانی می توان مانند مثال بالا واژه های جدیدی ساخت.

**مثال:** شعر، نغمه، لالایی، ترانه، سرود، مرثیه، شاهنامه، تعزیه و...



## یادآوری

● بعضی از کلمه ها به یک شکل نوشته می شوند؛ ولی با استفاده از حروف صدادار ، معنای آنها تغییر می کند . به این کلمات، کلمه های « **هم نویسه** » می گویند.

**مثال:** سَحَر ، سِحْر - مَرْد ، مُرْد - دَرَك ، دَرَك - شِش ، شُش

● بعضی از کلمه ها به یک شکل خوانده می شوند ولی شکل نوشتن آنها متفاوت است. به این کلمات « **هم آوا** » گفته می شود.

**مثال:** خوان - خان / خوار - خار / صواب - ثواب / حیاط - حیات

● بعضی دیگر از کلمات ، هم آوا و هم نویسه هستند؛ ولی معنای متفاوتی در جمله دارند.

**مثال:** شیر: شیر سلطان جنگل است.

شیر: دیروز شیر آب خانه ی ما خراب شد.

شیر: من یک بطری شیر از سوپر مارکت خریدم.

**مثال:** سیر: پیامبر اکرم (ص) فرمود: قبل از سیر شدن دست از غذا خوردن بکشید.

سیر: سیر از دسته گیاهانی است که مصرف دارویی دارد.

**مثال:** بار: کامیون برای حمل بار استفاده می شود.

بار: در طول ماه گذشته دو بار به مسافرت رفتیم.

## درس هفدهم

### دانش های زبانی و ادبی

هنگامی که شاعر یا نویسنده ، در یک شعر یا نثر از واژه هایی که معنای متضاد دارند استفاده کند و آنها را کنار هم بیاورد از **آرایه ی تضاد** استفاده کرده است که باعث زیبایی و لطافت سخن می شود.

**مثال:** ای نام تو روییده به گلدان لبم در مرحمت تو غوطه ور، روز و شیم

**مثال:** ای غمم تو ، شادی ام تو مایه ی آزادی ام تو

**مثال:** دست در دامن مولا زد ، در که علی بگذر و از ما مگذر

و یا استفاده از عباراتی مانند: رفت و آمد خانوادگی ، گل پشت و رو ندارد ، زندگی بالا و پایین دارد ، کتاب را زیر و رو کردم ، توی خواب و بیداری بودم .

### کاربرد های حرف اضافه ی «را»

گاهی حرف های اضافه غیر از آن معنایی که در ذهن ما وجود دارد به کار برده می شوند؛ «را» در دستور زبان فارسی نشانه ی مفعول است و بعد از مفعول می آید.

**مثال:** محمد وسایلیش را آورده است.

مفعول                      نشانه ی مفعول

**نکته:** در گذشته گاهی « را » به معنی « به » به کار می رفته است .

**مثال:** لقمان را گفتند : به لقمان گفتند.

هنگام بررسی متن های کهن و بازگردانی آنها به فارسی ساده ی امروزی، باید به این نکته توجه کرد.

## قید و انواع آن

✓ قید مختص: بعضی از قیدها جز نقش قیدی، نقش دیگری در جمله نمی پذیرند، این قبیل قیدها را قید مختص می نامند، زیرا که اختصاص به نقش قیدی دارند.

مانند: هرگز - هنوز - البته - مثلاً - احیاناً - اتفاقاً.

من هرگز او را ندیده ام.

پدرم هنوز از مسافرت برنگشته است.

کلمه هایی که در آخر آنها تنوین — هست همگی در زبان فارسی قید مختصند.

مانند: اتفاقاً - احتمالاً - اصلاً - ضمناً.

اتفاقاً دیروز علی را در خیابان دیدم .

### ❖ اقسام قید از جهت معنی:

✓ قید زمان: مانند: شب، بعضی وقتها

در جمله زیر:

شب باران آمد . بعضی وقتها باران می بارد.

✓ قید مکان: مانند: اینجا و آنجا در عبارت زیر:

حسن اینجا نشسته بود و احمد آنجا .

✓ قید مقدار: مانند: کم و زیاد در عبارت زیر:

دیشب باران کم آمد اما امروز زیاد بارید.

✓ قید کیفیت: مانند: خوب و به آرامی در جمله های زیر:

احمد خوب کار می کند . احمد به آرامی کار می کند.

✓ قید حالت: حالت فاعل یا مفعول را در حین انجام دادن و انجام گرفتن کار بیان می کند.

مانند : افتان و خیزان و گریان در جمله های زیر:

مرد مجروح افتان و خیزان خود را به پشت درخت رسانید.

✓ **قید تصدیق و تاکید** : مانند : حتماً در جمله : حتماً به دیدار شما خواهیم آمد.

✓ **قید پرسش** : مانند: چگونه در جمله : چگونه این کار را انجام خواهید داد ؟

✓ **قید شک و تردید** : مانند: شاید در جمله: شاید فرداد به کتابخانه بروم.

✓ **قید تأسف** : تاسف گوینده را از وقوع فعل یا از واقع نشدن آن بیان می کند . مانند : افسوس و متأسفانه در جمله های زیر:

افسوس که دوستان ، خیلی زود ما را ترک می کنند.

متأسفانه نتوانستم شما را ببینم.

✓ **قید تعجب** : مانند : عجباً در این جمله:

عجباً ! عمر آدمی به این زودی به پایان می رسد.

✗ **یاد آوری** : حرف اضافه با متمم و گروه متممی جمعا در برخی موارد نقش قیدی پیدا می کنند . مثلاً : احمد در اطاق سرد

کار می کند . در (حرف اضافه)+( اطاق ( متمم)+ سرد (صفت اطاق ) = قید مکان.

ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست از (حرف اضافه ) + چه (صفت برای سبب) + سبب (متمم) = قید علت.

## • انواع تا

برای پی بردن به معانی کلمات و به خصوص در شعر، نیازمند کنکاشی دقیق در کاربرد آن ها هستیم. در حقیقت برای فهم معنای یک کلمه ( اسم، فعل ، حرف، صفت ، قید و ... ) باید بتوان زنجیره معنای موجود در جمله را درک کرد تا به وسیله فهم معنای کل جمله، کلمه مورد نظر هم معنا شود .

\* کلمه تا در زبان فارسی بیش از بیست نوع و کارکرد دارد که البته ما در پایه ششم تنها با چند نمونه از آن آشنا می شویم .

۱ . تا می تواند به تنهایی به عنوان یک شبه جمله و در معنای آگاه باش ، هشدار و .... به کار رود .

ز صاحب غرض تا سخن نشنوی / که گر کار بندی پشیمان شوی ( آگاه باش که سخنی را از فرد دارای سوء نیت نشنوی که اگر بشنوی و به کار بگیری پشیمان خواهی شد)

۲. به عنوان حرف بیان علت در معنای: برای اینکه – تا اینکه

زین دایره مینا خونین جگیرم، می ده / تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی ( تا: برای اینکه)

تا کمال علم او ظاهر شود / این همه اسرار در صحرا نهاد ( تا: برای اینکه)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی / تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی ( تا: برای اینکه)

۳. به معنای تا زمانیکه – مادامی که. در این صورت حرف تا، حرف ربط است .

تا جان در تن است امید صد هزار راحت است ( تا: تا زمانی که)

از دست غیبت تو شکایت نمیکنم / تا نیست غیبتی نبود لذت حضور

۴. اگر حرف تا به معنی که به کار رود باز هم حرف ربط است .

عمر گرانیامه در این صرف شد / تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا ( عمر ارزشمند بر این گذشت که ...)

عمری است تا به راه غمت رو نهاده ایم ( عمری است که...)

۵. اگر تا به معنای آغاز یک زمان باشد حرف ربط است

تا جهان بود از سر آدم فراز / کس نبود از راه دانش بی نیاز ( از زمانی که جهان بالای سر انسان بود...)

تا دل به مهرت داده ام در بحر غم افتاده ام ( از زمانی که ...)

۶. اگر تا به معنای پایان زمان و یا انتهای مسیری باشد حرف اضافه خواهد بود .

از دم صبح ازل تا آخر شام ابد / دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود ( اشاره به پایان زمان)

دوش در حلقه ما صحبت گیسوی تو بود / تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود

نقش خیال تو تا وقت صبحدم / بر کارگاه دیده بی خواب می زدم

گفت می باید تو را تا خانه قاضی برم ( اشاره به مقصد ، پایان مسیر)

دلهم از وحشت زندان سکندر بگرفت / رخت بر بندم و تا ملک سلیمان بروم

نذر کردم گر از این غم به در آیم روزی / تا در میکده شادان و غزلیخوان بروم

با صبا افتان و خیزان میروم تا کوی دوست

## \*انواع را

حرف را یکی از حروف پرکاربرد در زبان و ادبیات فارسی است که امروزه غالباً به عنوان نشانه\_مفعول در جملاتی که فعل گذرا به مفعول داشته باشند به کار می رود. اما در گذشته کارکردهای دیگری نیز داشته که از آن جمله می توان به را ی حرف\_ اضافه اشاره کرد که در این مطلب با آن آشنا می شویم .

### ○ انواع را :

۱. **نشانه\_ مفعول** : پرکاربردترین نوع را که از گذشته تا امروز پابرجا مانده. در جمله ای به کار می رود که فعل گذرا به مفعول داشته باشد .

مثال :

می نوش به خرمی که این چرخِ کهن / ناگاه تو را چو خاک گرداند پست ( را مصراع دوم نشانه مفعول- مفعول: تو )  
ای دوست بیا تا غم دنیا نخوریم / وین یک دم عمر را غنیمت شمیریم ( را نشانه مفعول برای فعل غنیمت شمردن )  
دوست می دارم من این نالیدن دل سوز را / تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را ( را نشانه مفعول برای فعل دوست داشتن و فعل گذراندن )

نبیند مدعی جز خویشتن را / که دارد پرده پندار در پیش

۲**حرف\_ اضافه** : در ادبیات قدیم را به عنوان حرف اضافه و در معنای به - از - برای و بر به کار می رفته است .  
اینک برای هر کدام مثالهایی ذکر میکنیم .

### ✓ را به معنای به

رندان تشنه لب را آبی نمی دهد کس ( کسی به رندان تشنه لب آب نمی دهد )

پدر را از این حال آگاهی دادند. ( به پدر از این حال خبر دادند)

لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ ( به لقمان گفتند...)

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری؟ ( می دانی که به من چه گفت؟ )

گفت ای شیخ مرا چیزی بیاموز

### ✓ را به معنای از

یکی از ملوکِ بی انصافِ پارسایی را پرسید از عبادتها کدام فاضل ترست؟ ( از یک پارسا پرسید .... )

یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که ... ( از یکی از پادشاهان غیر عرب حکایت می کنند که ... )

✓را به معنای برای

مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا / گر تو شکیب داری طاقت نماند ما را ( برای ما طاقت نماند )

از آمدنم نبود گردون را سود ( برای گردون سودی نبود... )

این دعای خیر است تو را و جمله مسلمانان را. ( برای تو و همه مسلمانان )

انوشیروان را به صحرا صید کباب کردند ( برای انوشیروان صیدی را کباب کردند )

درویشی را ضرورتی پیش آمد

✓را به معنای بر

اسبی را سوار شد و به دنبال آنان تاخت ( بر اسبی سوار شد ... )

سر بی تنت را که خواهد گریست؟ ( چه کسی بر تن بی سر تو گریه می کند؟ )

شمارش تعداد جملات

۱- فعل های حاضر در جمله را می شماریم.

۲- فعل های غایب (حذف شده) را می شماریم.

۳- شبه جمله تمام جمله ها به عنوان جمله حساب می شوند.

● تعداد فعل های ذکر شده + تعداد فعل های حذف شده + شبه جمله مثال :

-ای مردم ! بدانیدمندی که تلاش کند و پشتکار داشته باشد هم به برخوردار می رسد و هم به موفقیت .

- ای مردم + بدانید + تلاش کند + داشته باشد + می رسد + می رسد (که حذف شده)

-شبه جمله + فعل + فعل + فعل + فعل + (فعل حذف شده)

❖ گاهی در جمله عبارتی شبیه به فعل می آید که هرگز فعل نیست .مانند مصدر ها ، بنابراین، این گروه هرگز در شمارش،

جمله محسوب نمی شوند. مثال :

-هنگام رفت و آمد از خیابان احتیاط کن . ( یک جمله )

کار کردن و تلاش کردن رمز موفقیت است . ( یک جمله )

❖ نکته : گاهی فعل ها به صورت مخفف می آیند که در شمارش جمله ها محسوب می شوند مثال :

- من آن نی ام که تورراها کنم . (من آن کسی نیستم که تورراهاکنم )

❖ شبه جمله ها بر دو نوع هستند:

۱- **منادا منادا** را از حروف ندا تشخیص می دهیم . حروف ندا عبارتند از : ای ، یا ، ایا ، « ا » در پایان واژه ، ( بدون هیچ علامتی ) یعنی از لحن نوشته یا کاما متوجه می شویم .

۲- **صوت** عبارتند از :

برای آرزو و دعا : کاشکی ، کاش ، ای کاش ، آمین ، الهی

برای تشویق : به به ، آفرین ، احسنت ، بارک الله ، مرحبا،خوشا

برای تاسف و درد : آه ، درد ، دریغا ، دریغ ، ای داد ، فریاد ، وای

برای تعجب : به ، وه ، عجب ، چه عجب ، عجبا ، شگفتا

برای تنبیه : امان ، الامان ، مبادا ، زنهار ، هان

برای احترام:چشم ، به چشم ، بله قربان

برای قبول و تصدیق : بله ، آری ، ای ، ای والله

برای دستور :خاموش ، ساکت ، یاالله ، بسم الله

مسلمانان،مسلمانان،مسلمانی ز سر گیرید که کفر از شرم یار من مسلمان وار می آید(چهار جمله)

روزها گر رفت گو رو باک نیست تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست(هفت جمله)

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان...(چهار جمله).

✓تعداد جمله از فرمول زیر به دست می آید .

۱- فعل های حاضر در جمله را می شماریم.

۲- فعل های غایب (حذف شده ) را می شماریم.

۳-شبه جمله تمام جمله ها به عنوان جمله حساب می شوند.



گاهی در جمله عبارتی شبیه به فعل می آید که هرگز فعل نیست. مانند مصدر ها، بنابراین، این گروه هرگز در شمارش، جمله محسوب نمی شوند.

نکته: گاهی فعل ها به صورت مخفف می آیند. در شمارش جمله ها محسوب می شوند.

### افعال ربطی یا اسنادی

افعال «است، بود، شد، گشت، گردید» را افعال ربطی یا اسنادی می گویند.

معمولا به کلمه ای که قبل از فعل ربطی می آید، مسند می گویند و نهاد یا فاعل، نقش مسند الیه می گیرد.

#### نکته ۱:

«است» به معنای «وجود دارد» فعل ربطی نیست

مثال: غله در انبار است = یعنی غله در انبار وجود دارد.

#### نکته ۲:

«گشت و گردید» به معنای «دور زد و حرکت کرد» ربطی نیست.

مثال: علی اطراف شهر را گشت. (اطراف را دور زد): غیر ربطی.

#### نکته ۳:

«شد» به معنای «رفت» فعل ربطی نیست.

مثال: شد غلامی که آب جوی آرد غلامی رفت که اب بیاورد

#### نکته ۴:

«آمد و افتاد» اگر به معنای «باشد و شد» باشند فعل ربطی هستند.

مثال: علم بی عمل سودمند نیافتد یعنی سودمند نباشد

مثال: پزشکان در معالجه ی او عاجز آمدند پزشکان در معالجه او عاجز شدند.

### روشهای تشخیص ترکیبهای وصفی و اضافی

**اولین روش:** کسره ی بین دو کلمه را برداشته و به جای آن کما و در پایان ترکیب "است" میگذاریم که تبدیل به جمله میشود حالا اگر جمله مفهوم داشت ترکیب وصفی هست در غیر این صورت اضافی می باشد.

مانند: درخت بزرگ: این درخت ، بزرگ است. چون جمله با مفهوم است ، بنابراین ترکیب "درخت بزرگ" ترکیب وصفی هست.

نظر طیب: این نظر، طیب است. چون جمله نامفهوم است، بنابراین ترکیب "نظر طیب" ترکیبی اضافی است.

روشهایی که گفته می شود شاید برای بعضی ترکیبها کاربرد نداشته باشد ، پس ما باید روشهای بیشتری را استفاده کنیم تا به نظر قطعی برسیم .

بعضی اوقات نیز کلمه دوم به طور واضح و از نظر مفهوم صفت و اسم بودنش مشخص هستش و دانش آموز بدون استفاده از این روشها نوع ترکیب را تشخیص میدهد.

که البته برای اطمینان بیشتر می تواند یکی از روش ها را نیز امتحان کند.

**دومین روش تشخیص:** در موصوف و صفت معمولا می توانیم بعد از صفت، "تر و یا ترین" اضافه می کنیم اما در مضاف و مضاف الیه ، نمی توانیم به دنبال مضاف الیه "تر یا ترین" اضافه کنیم.

مانند: قلب پاک=قلب پاک تر

کلاس درس ← کلاس درس تر ✗

چون به درس، "تر" اضافه نمی شود ، پس ترکیب اضافی هست.

**سومین روش:** در موصوف و صفت معمولا بعد از موصوف می توانیم "ی و یا ای" اضافه کنیم.مانند:

گل زیبا=گلی زیبا

اما بین مضاف و مضاف الیه نمی توانیم "ی و ای" اضافه کنیم.

بازار شهر=بازاری شهر ✗ چون معنی نمی دهد پس ترکیب اضافی هست.

**چهارمین روش:** در موصوف و صفت معمولا می توانیم واژه های "بسیار و خیلی" بین موصوف و صفت بیآوریم اما در مضاف و مضاف الیه نمی توانیم.

مانند:

پسر توانا=پسر بسیار توانا ← ترکیب وصفی

مادر امیر=مادر بسیار امیر ✗ ترکیب اضافی

**پنجمین روش:** در موصوف و صفت ،هیچ وقت صفت جمع بسته نمی شود و همیشه مفرد است.

گل زیبا=گل زیباها ✗

در مضاف و مضاف الیه، معمولاً مضاف الیه و یا هر دو کلمه جمع بسته می شوند.

در باغ=درهای باغ      در باغ=در باغ ها

**ششمین روش:** اگر جای دو کلمه را عوض کنیم و در انتهای آنها "دارد" بگذاریم و جمله ی معناداری ساخته شود، آن ترکیب اضافی است و اگر معنا ندهد، ترکیب وصفی است.

آب گوارا= گوارا، آب دارد. ✗ ترکیب وصفی

پدر او=او، پدر دارد. چون معنی دارد، پس ترکیب اضافی است.

✓ نکته مهم

گاهی در مضاف و مضاف الیه هم، نمی توانیم مضاف الیه را جمع ببندیم. مانند:

عید نوروز ← نوروزها ✗      شهر شیراز ← شیرازها ✗

✓ نکته مهم

اگر در ترکیبی واژه ی دوم جمع باشد، این ترکیب، دیگر موصوف و صفت نیست. مانند:

باغچه اطفال      خانواده ی شهدا      خانه ی دیگران

✓ نکته مهم

برای تشخیص دقیق موصوف و صفت از مضاف و مضاف الیه، بهتر است از چندین روش استفاده کنیم تا تشخیص دقیق تر باشد.

✓ نکته مهم

گاهی اوقات چند ترکیب با همدیگر و پشت سر هم می آیند. مانند:

شهر زیبای شیراز      شهر زیبا=ترکیب وصفی      شهر شیراز=ترکیب اضافی

✓ نکته مهم

بعضی مواقع در ترکیب اضافی به جای مضاف الیه(اسم دوم) ضمیر پیوسته می آید. مانند:

مادر من ← مادر من=ترکیب اضافی

**مریم عزیزی - تالار تلگرامی معلمان ششم ابتدایی ( دکتر صفایی )**